عاشورا و باورهای اخلاقی تربیتی

پدید آورنده : محمد احمدی ، صفحه 22

مقدمه

«عاشورای حسینی» که در سال 61 هجری رخ داد، حادثه ای نبود که از پندها و عبرت آموزی های بعد از خود، جدا باشد. پیام ها، عبرت ها و آثاری که در اندیشه و رفتار مسلمانان داشته تا امروز ادامه دارد و تا آخرین لحظه تاریخ بشر استمرار خواهد یافت؛ زیرا «عاشورا» یک حادثه نیست، یک تفکر توأم با عمل است؛ تفکر ستیز دایم حق با باطل و مبارزه حق جویان با ستمگران.

نهضت کربلا و شهادت سالار شهیدان آثار حماسی و مبارزاتی و تربیتی و معنوی فراوان داشته و دارد. حرکت های اسلامی و آزادی خواهی، ریشه در پندگیری و الگوپذیری از حرکت حسینی دارد. با این همه، نور و درخشندگی این قیام الهی خیلی بیش از این هاست؛ لذا می باید بشر همیشه از این منبع ایمان، بهره برد و آگاهان، تشنگان حق را بهره مند سازند.

بدین ترتیب، در هر زمان می توان از این حرکت برای رسیدن به درجه بالاتری از ایمان، معرفت، وظیفه شناسی و عمل به آن درس های اخلاقی و تربیتی جدیدی آموخت.

مفهوم اخلاق و تربیت

اخلاق جمع خُلق یا خُلْق و در لغت به معنای روش های آدمی در کارهای روزمرّه آمده است و در اصطلاح عبارت است از: «هیئت خاصّی که در انسان رسوخ و ظهور می نماید و به کمک آن، افعال را به آسانی انجام می دهد و نیازمند به اندیشه و فکر نیست.»

تربیت در لغت، پرورش دادن، نیروی بالقوه را به فعلیت رساندن است و در اصطلاح عبارت است از: «فراهم آوردن زمینه رشد و پرورش استعدادهای درونی و قوای جسمانی و روانی انسان برای وصول به کمال مطلوب است».

مفهوم درس و پیام

درس، موضوعی است که معلم به شاگرد می آموزد. درس و پیام، گاهی گفتار صریح و روش است و گاهی یک رفتار است که انسان ها را به عملی و صفتی «دعوت» می کند؛ بنابراین، همان گونه که فرد و جمع می تواند پیام دهد، یک حرکت و عمل نیز می تواند درس و پیام داشته باشد.

باورها و پیام های اخلاقی و تربیتی عاشورا

الف) توحید

یکی از رسالت های بنیادین امام «علیه السلام» تبیین مسائل اعتقادی و اصلاح باورهای مردم نسبت به آن است. امامان «علیهم السلام» با گفتار و رفتار روشنگرانه خود اعتقادات صحیح را از پندارهای باطل و انحرافی نمایان می کنند. با نگاه به قیام امام حسین «علیه السلام» از این زاویه، درس های بزرگی را می آموزیم. نماد اعتقادی عاشورا اضافه بر جنبه نظری، در جنبه عملی گویاتر است. توحید در عبادت، اطاعت، استعانت و... در جلسه درس عاشورا می درخشد.

توحید در نصرت خواهی و فقط بر خدا اعتماد کردن، از جلوه های دیگر نقش آفرینی عقیده، در عمل است. امام حسین «علیه السلام» تنها تکیه گاهش خدا بود، نه نامه ها، حمایت ها و شعارها. وقتی سپاه حرّ راه را بر کاروان امام بست، حضرت ضمن خطابه ای که درباره حرکت خویش و امتناع از بیعت و استناد به نامه های کوفیان ایراد کرد، در پایان ضمن گلایه از عهدشکنی کوفیان فرمود: «... و ان لم تفعلوا و نقضتم عهودکم و خلعتم بیعتکم... سیُغْنی اللّه عنکم؛ «... تکیه گاهم خداست و او مرا از شما بی نیاز می کند.»

در ادامه راه نیز وقتی با اباعبداللّه مشرقی ملاقات کرد و او و همراهش اوضاع کوفه و گردآمدن مردم را برای جنگ با آن حضرت بیان کردند، پاسخ امام این بود که «حسبی اللّه و نعم الوکیل»

مرحوم مفید نقل می کند صبح عاشورا وقتی سپاه کوفه با همهمه رو به اردوگاه امام تاختند، دستان نیایشگر امام حسین «علیه السلام» رو به آسمان بود و چنین می گفت: «اللهم انت ثقتی فی کل کربٍ، و رجائی فی کلّ شدةٍ...»؛ خدایا! در هر گرفتاری و شدت، تکیه گاه و امیدم تویی و در هر حادثه که برایم پیش آید، پشتوانه منی، چه بسا در سختی ها و گرفتاری ها که تنها به درگاه تو روی آورده و دست نیاز و دعا به آستان تو گشودم و تو آن را برطرف ساختی...»

این حالت و روحیه، جلوه بیرونی عقیده قلبی به مبدأ و یقین به نصرت الهی است و توحید در دعا و طلب را می رساند و چنین عقیده و عمل نشان دهنده تجلّی عینی پیام وحی در وجود مبارک امام حسین «علیه السلام» است که می فرماید: «ایاک نعبد و ایّاک نستعین»

ب) معاد

عقیده به مبدأ و معاد، مهم ترین عامل جهاد و فداکاری در راه خداست و بدون آن، هیچ رزمنده ای معتقدانه در صحنه دفاع پا نمی گذارد و خود را در جنگی که به شهادت منتهی می شود، برنده نمی داند. بدون عقیده به حیات اخروی، با چه انگیزه ای می توان از جهاد و جانبازی استقبال کرد؟

بدین ترتیب، چنین اعتقادی در کلمات امام حسین «علیه السلام» و اشعار و رجزهای او و یارانش نقش محوری دارد. حضرت در روز عاشورا وقتی بی تابی خواهرش را می بیند، این فلسفه بلند را یادآور می شود و می فرماید: «یا اختاه اتقی اللّه... و اعلمی ان اهل الارض یموتون، و اهل السماء لا یبقون...»

در سخن دیگری که در شب عاشورا با اصحاب خویش فرمود باز هم بر همین محورها تأکید دارد، آن جا که می فرماید: «... و اعلموا ان الدنیا حلوها و مرُّها حلمٌ و الانتباه فی الآخرة، و الفائز من فاز فیها، و الشّقیُّ من شقی فیها...»

«بدانید که شیرینی و تلخی دنیا، خواب است، و «بیداری» در آخرت است. رستگار کسی است که به فلاح آخرت برسد و بدبخت کسی است که به شقاوت آخرت گرفتار آید.»

یا می فرماید: «... فان اللّه عزّوجل یعیننی و لا یخلّینی مِنْ حُسْنِ نَظَرِهِ...»؛ تکیه گاه و یاور من خداست و او من را از یاری ناامید نمی کند.»

در رجزهای یاران امام نیز، تکیه بر مبادی اعتقادی و پیوند زدن مبارزه به باور داشت قیامت و امید به پاداش خدا و رضای الهی موجود است. از باب نمونه:

هنگامی که عمروبن خالد ازدی به میدان رفت، در رجز خویش گفت: «ای جان! امروز به سوی خدای رحمان و روح و ریحان می روی و آنچه را که در لوح تقدیرت از پاداش الهی نوشته شده، در می یابی؛ پس بی تابی مکن، که هر زنده ای مردنی است».

پس از وی فرزندش خالد به میدان شتافت و باز به خود تلقین می کرد که: در راه رضای خدای رحمان، بر مرگ شکیبا باش، ای پدر! تو به سوی قصرهای نیکو و آراسته ای شتافتی.

ده ها نمونه دیگر موجود است که همه نشان دهنده پشتوانه عقیدتی و ایمانی به مبدأ و معاد در رزم آوری عاشوراییان است. یادآوری مبادی اعتقادی اسلام در کربلا و از زبان ابا عبداللّه «علیه السلام» و یاران او، به گونه ای خلع سلاح کردن دشمن و زیر سؤال بردن دشمنی شان با خاندان عصمت بود. دشمنی ای که نشانه خروج شان از دین و فاصله گرفتن از شریعت حضرت رسول الله «صلی الله علیه و آله» بود. رویکرد دیگر امام «علیه السلام» به بیان مسائل اعتقادی، به منظور دفع شبهه آفرینی های بعدی امویان است. سالار شهیدان پس از آن که تصمیم گرفت از مدینه به طرف مکه خارج شود، کاغذ و قلمی طلبید و برای برادرش محمد حنفیه وصیتنامه ای نوشت و در آن، اعتقاد به اصول را گواهی کرد تا از هر گونه تهمت و نسبت های ناروای بعدی جلوگیری کند، لذا نوشت: «بسم الله الرحمن الرحیم... ان الحسین یشهد أن لا اله الا الله وحده لا شریک له و اَنَّ محمدا عبده و رسوله، جاء بالحق و ان الجنة و النار حق و ان الساعة آتیة لا ریب فیها و ان اللّه یبعث من فی القبور...؛ حسین «علیه السلام» شهادت می دهد که خدای یکتا و بی شریک است و محمد «صلی الله علیه و آله» بنده و فرستاده اوست که حق را از سوی حق آورده است و گواهی می دهد که بهشت و جهنم حق است و قیامت حتما خواهد آمد و شکی در آن نیست و خداوند همه خفتگان در گور را برخواهد انگیخت...».

پس از این به فلسفه قیام خویش که اصلاحگری و امر به معروف و نهی از منکر است، پرداخت تا هیچ شایبه ای در حرکت الهی او باقی نماند.

آری! اعتقاد به معاد، تارهای علایق به دنیا را می درد و هر کسی به این درجه از ایمان به قیامت برسد، آسوده تر می تواند در انجام دادن تکالیف الهی، از خود گذشتگی کند. پیام تربیتی عاشورا این است که هر کس می خواهد در راه معشوق از سر شوق از خود گذشتگی کند، باید باور به معاد را در خود تقویت کند تا تمام سختی ها آسان شده و عمل را جاودانه نماید.

ج) اخلاص و یکتا پرستی

از نظر اسلام، ارزش و اعتبار هر عملی بر نیت صاحب آن، استوار است. در طول تاریخ، هجرت های سرنوشت سازی توسط پیام آوران الهی رخ داده است، اما هجرت ابا عبداللّه با گذشت قرن ها به عنوان هجرتی نمونه و حماسه آفرین و جاودانه مطرح است که ریشه این جاودانگی، خلوص نیت امام است.

ابی عبداللّه «علیه السلام» پس از خارج شدن از مجلس ولید - والی مدینه که از امام بیعت می خواست ـ آن شب خواب به چشمش راه نیافت. به کنار قبر جدش پیامبر رفت و با روح بزرگ حضرت از بدبختی و بیچارگی مسلمانان، از ستم بنی امیه و از وضع رقّت بار امت، درد دل کرد.

آن گاه از روح الهی پیامبر «صلی الله علیه و آله» کسب تکلیف نموده در این هنگام چند لحظه خواب او را فرا گرفت و در عالم خواب، پیامبر را ملاقات کرد که به او می فرمود: «یا حسین! اخرج الی العراق فان اللّه تعالی شاء ان یراک قتیلا...؛ وظیفه تو حرکت به سوی کربلا و عراق است و خداوند خواسته تو را کشته ببیند.»

امام «علیه السلام» از این که وظیفه خویش را از زبان پیامبر «صلی الله علیه و آله» شنید، خوشحال و خندان به منزل آمد و فردای آن روز با چهره ای مصمم و قاطع از منزل بیرون رفت و در ملاقات با مروان و در مقابل درخواست مکررشان مبنی بر بیعت با یزید، فرمود: «و علی الاسلام السلام اذقد بلیت الامة بوالٍ مثل یزید؛ فاتحه اسلام را باید خواند روزی که زمامدار مردم آدمی همچون یزید باشد.»

حسین «علیه السلام» این هجرت را به عنوان تکلیف الهی و به نیت خالص انجام داد، لذا خداوند جاودانگی آن را تضمین کرد؛ بنابراین، شرط لازم جاودانگی عمل در هر عصر و زمانه، نیت خالص است.

د) رسالت و امامت

باور به نبوت پیامبر مکرم اسلام «صلی الله علیه و آله» و عصمت او، یکی از اصول اعتقادی اسلام است. این موضوع، در فرهنگ عاشورائیان مکرر مطرح شده است؛ هم از سوی سالار شهیدان و هم از سوی فرزندان و یاران شهیدش.

امام حسین «علیه السلام» در مکه در حالی که در مورد امویان صحبت می کرد، فرمود: «لا تدعنّ نصرتی و اذکرنی فی صلاتک، فو الّذی بعث جدی محمدا «صلی الله علیه و آله» بشیرا و نذیرا...» و در آن بعثت رسول مکرم اسلام را یادآوری کرد، یا در وصیتنامه ای که به محمد بن حنفیه نوشت از بعثت و خاتمیت رسول گرامی «صلی الله علیه و آله» یاد کرد.

زهیر بن قین یکی از یاران حضرت در خطابه معروفش می گوید: «... خداوند ما و شما را به وسیله ذریه پیامبرش آزموده است تا ببیند چه می کنیم...».

این سخنان علاوه بر گواهی به رسالت پیامبر گرامی «صلی الله علیه و آله»، حکایت از خروج عده ای از جمع «امت محمد» دارد. نهضت کربلا، جنبشی بود که چهره پیروان راستین و مدعیان دروغین اسلام را آشکار ساخت. مردم دو گروه شدند؛ طرفداران حق و طرفداران باطل و عاشورا شاهد گویای این تمایز است.

امامت از دیگر مناصب الهی است که پس از نبوت برای تبیین مکتب و حفظ دستاوردهای نهضت اسلامی و اجرای حدود و احکام خدا در جامعه از مسیر رهبری و ولایت پیش بینی شده است. لذا «امامت» همچون نبوت، علاوه بر صلاحیت های علمی و تقوایی به «جعل الهی» و «نصب» از جانب خداوند نیازمند است. پیام تربیتی عاشورا این است که رسالت باوری راستین، به پذیرش ولایت و حاکمیت حق می انجامد و جامعه اسلامی تن به حکومتی غیر از حکومت الله نمی سپارد.

پی نوشت ها:

1. سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج دوم، نشر دانش، قم، 1376، چاپ دوم، ص 17.

2. ملا محسن فیض کاشانی، اخلاق حسنه، پیام آزادی، 1362 ش، ص 9.

3. سید مصطفی حسینی دشتی، پیشین، ج 3، ص 533.

4. عباس اسماعیلی یزدی؛ فرهنگ تربیت، دلیل ما، قم، 1381 ش، ص 39؛ مجید رشیدپور، مبانی اخلاق اسلامی هجرت، قم، 1374 ش، ص 20.

5. محمد باقر مجلسی؛ بحارالانوار، ج 44، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، 1403 ق، چاپ سوم، ص 382.

6. مهد تحقیقات باقر العلوم «علیه السلام»، موسوعة کلمات الامام الحسین «علیه السلام»، دار المعروف، قم، 1374 ش، چاپ دوم، ص 378.

7. محمد باقر مجلسی؛ پیشین، ج 45، ص 4.

8. محمد باقر مجلسی؛ همان، ص 2.

9. محمد باقر مجلسی؛ پیشین، ج 11، ص 150؛ تفسیر امام العسکری «علیه السلام»، ص 218.

10. محمد بن شهر آشوب؛ مناقب آل ابیطالب «علیه السلام»، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، ج 4، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ص 101.

11. محمد بن شهر آشوب؛ پیشین، ص 101.

12. محمد باقر مجلسی؛ پیشین، ج 44، ص 329.

13. پیامبر «صلی الله علیه و آله» فرمود: «انما الاعمال باالنیات»، جامع السعادات، ج 3، ص 112.

14. سید بن طاووس؛ اللهوف، چاپ تهران، ص 65.

15. سید بن طاووس؛ پیشین، ص 2؛ خوارزمی؛ مقتل الحسین، ج 1، مکتبه المفید، قم، ص 185.

16. مهد تحقیقات باقر العلوم، پیشین، ص 308.

17. باقر شریف القرشی، حیاة الامام الحسین بن علی «علیه السلام»، ج 3، مدسه العلمیة الایروانی، 1399 ه.، ص 188.